



بزرگترین کشف تاریخ، این است که
انسان می تواند با تغییر نگرش خود،
آینده اش را تغییر دهد.
"اپرا وینفری"

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید



@MEMAR TV - @MEMARPRESS

هفته نامه

WWW.MEMAR.PRESS

هفته دوم جوزا ۱۴۰۲

سال چهارم شماره ۴۵

نشریه سیاسی اجتماعی فرهنگی



آزادی بیان؛ جرم انگاری انتقاد و محدودیت های فرهنگی طالبان

f t i y /memarpress

صفحه ۲



تنش مرزی، دست های
پشت پرده و ذی نفعان اصلی

صفحه ۴



ضرورت برنامه ریزی برای
پایان دادن به رنج های کودکان

صفحه ۳



زنان در افغانستان با
آپار تاید جنسیتی مواجه اند؟

صفحه ۲

بیماری پولیو و هزینه های سنگین مالی و روانی بر خانواده و جامعه

پولیو یا فلج اطفال یک بیماری ویروسی است که تقریباً فقط کودکان را مبتلا می کند. این بیماری به واسطه ویروس پولیو که از طریق آب و غذا به بدن وارد می شود، گسترش می یابد. این ویروس در بدن به سمت مغز و نخاع حرکت کرده و باعث آسیب دیدگی و از بین رفتن سلول های عصبی می شود که باعث فلج و اختلالات حرکتی در بیمار می شود. علائم بیماری پولیو شامل درد سر، تب، درد عضلانی، خستگی و درد گلو و گاهی اوقات، فلج عضلات پا و ساق است.

بیماری پولیو قبلاً یکی از بیماری های شایع و خطرناک در سراسر جهان بود، اما با توسعه واکسن های پیشگیری و همچنین اقدامات بهداشتی و پزشکی، در بسیاری از کشورها موفق به کاهش شیوع آن شده اند. با این حال، هنوز هم در برخی کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، شیوع فلج اطفال وجود دارد. به همین دلیل، تحقیقات و اقدامات برای ریشه کنی این بیماری همچنان ادامه دارد.

ادامه در صفحه ۳



یادداشت

زنان در افغانستان با آپارتاید جنسیتی مواجه اند؟

گراسا ماشل، فعال حقوق زن و همسر نلسون ماندلا، با تشبیه وضعیت زنان در افغانستان به آپارتاید جنسیتی، بر ضرورت مبارزه با تبعیض جنسیتی در سراسر جهان تأکید کرده است. او به نقض حقوق زنان توسط طالبان اشاره کرده و از ضعف واکنش جهان به این وضعیت ابراز نگرانی کرده است. او بر این باور است که جهان باید در برابر طالبان بهترین استراتژی را برای مبارزه با تبعیض جنسیتی در افغانستان اتخاذ کند و به آن‌ها فشار بیشتری بیاورد.

او تأکید کرده است که جهان باید به همان استقامتی که در مبارزه با آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی به کار گرفته شده بود، برای مبارزه با تبعیض جنسیتی در افغانستان نیز به کار برد. از این رو، او به دنبال بیشترین فشار بین المللی بر طالبان برای رعایت حقوق زنان و برابری جنسیتی است.

در همین زمینه ابراهیم ریسی، رئیس جمهور ایران در اندونزی اظهار داشت که زنان و دختران در جمهوری اسلامی ایران در شئون و عرصه های مختلف حضور موثر و موفق دارند و باعث افتخار آفرینی برای کشور شده اند. او معتقد است که زنان و دختران افغان نیز این توانمندی را دارند که برای کشورشان افتخار آفرینی کنند و باید امکان فعالیت های اجتماعی از جمله بهر مندی از فرصت های آموزشی و کاری برای آنان فراهم شود.

موضوع زنان در افغانستان همواره مورد تأکید جامعه جهانی بوده و هیچگاه فراموش نمی شود؛ زیرا جمعیت انبوهی از زنان و دختران از حقوق اولیه که همان آموزش و کار است، باز داشته شده اند. تأکید و تکرار این بحران توسط فعالان حوزه حقوق بشر، سران سازمان های بین المللی و دولت ها نشانگر اهمیت قضیه است اما حکومت طالبان تا کنون نتوانسته اند به پرسش های آنان پاسخ قانع کننده و معقول ارائه کنند.

در حالیکه زنان کشورهای منطقه در حوزه های مختلف علمی، فرهنگی و سیاسی نقش آفرینی می کنند، دختران کشور ما در بی سرنوشتی و بلاتکلیفی به سر می برند. آنان با محدودیت های فزاینده ای مواجه اند که سبب شده تا بالای ۶۰۰ روز از زمان حضور طالبان از تحصیل و آموزش محروم بمانند.

به باور جامعه جهانی، این چنین محدودیت ها مصداق بارز نقض حقوق بشر بوده و حتی آنرا آپارتاید جنسیتی نیز دانسته اند.

با این وجود، طالبان بر سیاست های خود اصرار داشته و آن را بر اساس معیارهای اسلامی می دانند؛ اما باید ذکر کرد که چنین اقداماتی مبنای دینی و اسلامی ندارد و صرفاً قرائت ویژه طالبان از دین اینگونه می باشد. علمای جهان اسلام و حتی کسانی که با طالبان روابط نزدیک دارند نیز بر این موضوع اذعان دارند که ممنوعیت تحصیل زنان، یک سیاست اشتباه و بدون مبنای شرعی است.

به نظری می رسد طالبان با ادامه ی این سیاست ها نتواند جایگاهی را که برای کسب آن در جامعه جهانی تلاش دارد، به دست آورد؛ زیرا از نظر آنان رفتارهای طالبان در حوزه حقوق بشر و مخصوصاً زنان، جایی برای پذیرش آنان توسط جهانیان باقی نمی گذارد.

سخن سردیسر

آزادی بیان؛ جرم انگاری انتقاد و محدودیت های فرهنگی



رسالت دانشگاهیان در این است که با علم و دانش خویش در جهت رفع موانع و کاستی های کشور قدم بردارند و با هر نوع بی عدالتی و تضییع حقوق مردم، مبارزه کنند. با بخشنامه وزارت تحصیلات طالبان، عملاً دانشگاهیان از اظهار نظر در مورد عملکرد حکومت طالبان منع شده و آنان با تهدید مستقیم مواجه شده اند.

زمانیکه انتقاد سازنده و پیشنهادهای دلسوزانه برای اداره هرچه بهتر کشور، جرم انگاری شود، چه امیدی برای حل مشکلات و منازعات وجود خواهد داشت؟

دری (فارسی) و پشتو دو زبان رسمی کشوری باشند و هیچ یک بر دیگری ارجحیت ندارد، اما عرف جامعه و اقبال مردم در استفاده از اصطلاحات، هنجاری است که نمی توان آن را نادیده گرفت. عباراتی چون دانشگاه و دادگاه را خود مردم به جهت روان بودن و راحتی در تلفظ استعمال می نمایند که نمی توان آن را بیگانه خواند، زیرا یک عبارت فارسی (دری) خالص می باشد.

نادیده گرفتن علاقه و عرف مردم در استفاده از اصطلاحات، چه دری و چه پشتو، به نحوی اعمال سیاست اجبارگرایی و نادیده گرفتن سلیق و عدم آزادی فرهنگی به شمار می آید که مرز کشی میان این دو می تواند به منازعات فرهنگی و قومی منجر گردد.

به نظر می رسد با این بخشنامه، طالبان به دنبال محدود ساختن آزادی بیان و تنوع فرهنگی و حتی قومی می باشد؛ که در صورت ادامه دار شدن این سیاست ها، چشم انداز خوبی برای آینده فرهنگی در کشور تصور نمی گردد.

لازمه پیشرفت و آبادانی افغانستان، به رسمیت شناختن حقوق همه اقشار جامعه با آداب و رسوم فرهنگی و قومی آنهاست و هرگونه نادیده انگاشتن آنان به زبان همه خواهد بود.

بر اساس مکتوبی، وزارت تحصیلات عالی طالبان از استادان دانشگاه خواسته تا در نوشته های دانشگاهی شان از انتقاد از «نظام کنونی» طالبان خودداری کنند.

در مکتوب به صراحت خواسته شده که استادان در آثار خود «از به کاربردن اصطلاحاتی بیگانه چون دادگاه، دادستانی، دانشجو، دانشگاه، دانشکده، زده کریال، پوهنپال و... به صورت جدی اجتناب کنند». وزارت تحصیلات عالی طالبان گفته است، کشور برای این کلمات «اصطلاحات ملی» دارد.

وزارت تحصیلات عالی طالبان نیز بر خارجی بودن واژه هایی چون دانشگاه و دادگاه تأکید کرده است. پیش از این، طالبان بارها کلمات فارسی را از لوحه های رسمی حذف کرده است.

در عین حال، این وزارت از استادان خواسته تا اسامی «شخصیت های ملی» مانند «سید جمال الدین افغان، سلطان محمود غزنوی و احمدشاه بابا» را با «با احترام کامل» بنویسند. طالبان تهدید کرده که عدم رعایت این دستور موجب پیگرد برای «مولف، محقق، مترجم، استاد راهنما، نویسنده تقریظ، آمر بخش و رئیس دانشگاه» خواهد شد.

در ادامه مکتوب از استادان دانشگاه خواسته شده تا «در شروع هر اثر تحقیقی و علمی خود، به دیدگاه اسلامی مراجعه کنند و ارتباط مسلک خود با دین اسلام را به شکل مستدل بیان کنند».

طالبان تهدید کرده که «هر نوع سرپیچی» از مکتوب وزارت تحصیلات عالی برای استادان عواقب خواهد داشت. اقدامات محدودیت آفرین طالبان و سلب حق انتقاد از اقشار مختلف جامعه، به شکلی که هر گونه انتقاد، حتی از سوی اساتید دانشگاه را ممنوع ساخته، افق آزادی بیان و رعایت حقوق شهروندی را تاریک تر از گذشته نموده و جامعه تحصیل کرده و استادان را به انزوا و حاشیه می کشاند.

اشاره

بیماری پولیو و هزینه های سنگین مالی و روانی بر خانواده و جامعه

بیماری "پولیو یا فلج اطفال" قبلاً یکی از بیماری های شایع و خطرناک در سراسر جهان بود، اما با توسعه واکسن های پیشگیری و همچنین اقدامات بهداشتی و پزشکی، در بسیاری از کشورها موفق به کاهش شیوع آن شده اند. با این حال، هنوز هم در برخی کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، شیوع فلج اطفال وجود دارد. به همین دلیل، تحقیقات و اقدامات برای ریشه کنی این بیماری همچنان ادامه دارد.

در افغانستان، بیماری پولیو همچنان یک چالش بهداشتی بزرگ است و این بیماری در برخی مناطق، همچنان شیوع دارد.

اولین واقعه مثبت فلج اطفال امسال در ۲۲ ماه ثور در ولسوالی بتی کوت ننگرهار ثبت شد. دو روز بعد از آن، واقع دیگری در ولسوالی کوت این ولایت تأیید گردید و واقعه سوم هفته پیش از ولسوالی نازیان ننگرهار گزارش شد.

ریشه کنی فلج اطفال یک چالش پیچیده و چند بعدی است که نیازمند تلاش و همکاری بین بخش های مختلف جامعه و نهادهای مختلف، به خصوص نهادهای بهداشتی و پزشکی، است. برخی از راه های موثر برای ریشه کنی فلج اطفال عبارتند از:

- واکسیناسیون برای پیشگیری از فلج اطفال از اهمیت بسیاری برخوردار است. واکسن های خاصی وجود دارند که برای حفاظت از کودکان در برابر ویروس فلج اطفال موثر می باشد.

- بهداشت عمومی باید در جامعه به شکلی ارتقا یابد که شیوع بیماری هایی همچون فلج اطفال به حداقل برسد. بهداشت عمومی شامل عواملی مانند بهداشت دست، بهداشت غذا، بهداشت محیطی و بهداشت شخصی است که باید به طور موثر در جامعه افزایش یابد.

- تقویت زیرساخت های بهداشتی و پزشکی، شامل بیمارستان ها، ایستگاه های بهداشتی، مراکز تحقیقاتی و مدیریت کنترل عفونت می تواند در کاهش شیوع فلج اطفال موثر باشد.

- آگاهی بخشی و آموزش به جامعه و خانواده ها درباره عوامل پیشگیری از فلج اطفال، از جمله واکسیناسیون و بهداشت شخصی، می تواند به کاهش شیوع این بیماری کمک کند. این آموزش ها می توانند به شکلی ساده و قابل درک، به خصوص برای جوامع با سطح آموزشی پایین، ارائه شوند.

- برای ریشه کنی فلج اطفال، ارزیابی و رصد موثر از جمله نیازمندی ها است. برای این منظور، تحقیقات و مطالعات جامع و استفاده از تجربیات و یافته های دیگر کشورها در زمینه پیشگیری فلج اطفال و راه های کاهش آن باید انجام شود.

ریشه کنی فلج اطفال نیازمند تلاش همه جانبه و همکاری بین بخش های مختلف جامعه و نهادهای مختلف است. برای رسیدن به این هدف، تلاش های همه جانبه و مداوم در سراسر جامعه و با همکاری نهادهای مختلف، بسیار مهم است؛ زیرا این بیماری علاوه بر رنج و سختی برای کودکان و خانواده ها، هزینه های زیادی برای نگهداری و درمان می طلبد که جامعه ما از تأمین آن عاجز می باشد.

یادداشت

ضرورت برنامه ریزی برای پایان دادن به رنج های کودکان در افغانستان



در مجموع برای کودکان افغانستان، دسترسی به تحصیل و حقوق اساسی بسیار محدود است، و زندگی آنها در شرایطی قرار دارد که به طور قابل توجهی با خطرات امنیتی و خشونت همراه است. برای حل این مشکلات، نیاز به تلاش های بین المللی و داخلی برای ارتقای وضعیت کودکان در افغانستان داریم. این تلاش ها می توانند شامل ارائه دسترسی به تحصیل، حمایت از کودکان کار، بهبود شرایط زندگی کودکان در مناطق دشوار و خطرناک، و تلاش برای کاهش خشونت و جنگ در کشور باشند.

علاوه بر این، نیاز به توجه به حقوق کودکان در افغانستان و ترویج این حقوق در جامعه وجود دارد. این توجه باید شامل ترویج آموزش و آگاهی درباره ی حقوق کودکان، و تلاش برای افزایش غنای فرهنگی جامعه در این زمینه باشد. همچنین نیاز به برنامه های حمایتی برای کودکان در افغانستان، از جمله برنامه های بهداشتی، تغذیه ای و پشتیبانی روانی، و توسعه ی برنامه هایی برای بهبود شرایط زندگی و تحصیلی کودکان کشور است.

در مجموع وضعیت کودکان در افغانستان بسیار نگران کننده است، و نیاز به تلاش های بسیاری برای بهبود وضعیت این کودکان داریم. در این تلاش ها، توجه به حقوق کودکان، دسترسی به تحصیل، حمایت از کودکان کار، بهبود شرایط زندگی، کاهش خشونت و جنگ، توسعه ی برنامه های حمایتی، و ترویج آگاهی درباره ی حقوق کودکان در جامعه بسیار مهم است. این تلاش ها باید توسط دولت افغانستان و جامعه بین المللی، به همراه ارائه ی حمایت مالی و فنی انجام شود. با این اقدامات، می توانیم بهبود وضعیت کودکان در افغانستان را به طور قابل توجهی ارتقا دهیم و به آینده ی روشن تری برای آنها کمک کنیم.

اطفال، به خاطر ویژگی های خاص، همیشه در معرض تهدیدها و مشکلات فراوانی قرار دارند. در جهان سالانه کودکان زیادی به دلیل خشونت ها، جنگ، بیماری و فقر با آسیب های جبران ناپذیری مواجه می گردند که متأسفانه آنان را در آینده با مشکلات متعددی درگیر می سازد.

افغانستان یکی از کشورهایی است که در آن دسترسی به تحصیل برای کودکان به طور قابل توجهی محدود است، به خصوص در مناطق روستایی که بیشتر تحت فشار قرار دارند. برای بسیاری از کودکان افغان، رفتن به مدرسه یک آرزو است و بسیاری از خانواده ها نمی توانند هزینه های تحصیلی را بپردازند. همچنین، در برخی مناطق، خطرات امنیتی وجود دارد که ممکن است باعث شود که کودکان نتوانند به طور ایمن به مدرسه بروند.

در کشور ما بسیاری از کودکان مجبور به کار در شرایط بسیار سخت و خطرناک هستند. برای تعدا زیادی از خانواده ها در افغانستان، کار کردن برای کودکان نه تنها یک منبع درآمد است، بلکه ضرورتی برای بقا و زندگی معمولی است. با این حال، کار کردن در سنین پایین می تواند عواقب جبران ناپذیری برای سلامت و آینده کودکان داشته باشد. این کودکان معمولاً در شرایط کاری خطرناکی قرار دارند، از جمله در کارخانجات، معادن، کشت مواد مخدر و در برخی موارد حتی در عرصه های جنگ و قاچاق جذب می شوند.

افغانستان در میان کشورهایی است که میزان خشونت بالایی دارد، و کودکان نیز در معرض خطرات امنیتی و جنگ قرار دارند. در جنگ های مسلحانه و تنش های امنیتی، کودکان اغلب قربانیان بیشتری نسبت به بزرگسالان هستند. این شامل قربانیان بمب گذاری ها، حملات تروریستی، حملات پهلادی و کشتارهای دیگر است که در گذشته و حال رخ می دهد.

تنش مرزی میان ایران و افغانستان، دست های پشت پرده و ذی نفعان اصلی



آنان همواره به دنبال تضعیف کشورهای اسلامی مستقل و متزلزل ساختن پایه های وحدت اسلامی میان مسلمانان بوده اند، از همین رو می توان گفت، افزایش درگیری میان کشورهای اسلامی در واقع به نوعی اقدامی در راستای نزدیک کردن دشمنان اسلام به اهدافشان به شمار می آید.

از همین رو کشورهای اسلامی و دولت های آنان باید در این زمینه هشیار بوده و دست های پشت پرده که در بروز چنین حوادثی نقش اصلی را ایفا می کنند را به خوبی شناسایی نموده و نقشه های شوم آنان را خنثی نمایند.

از طرف دیگر طالبان باید به خوبی درک کنند که دیگر دوران جنگ و خشونت به پایان رسیده است و آنان ماموریت جدیدی دارند و آن ماموریت چیزی نیست مگر تقویت جایگاه افغانستان در سطح منطقه و برنامه ریزی جهت برون رفت از بحران های موجود در کشور مانند بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در افغانستان حاکم است.

در چنین شرایطی که افغانستان به شدت نیازمند حمایت کشورهای همسایه در راستای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی خویش است، درگیر شدن با همسایگان، نامعقول بوده و هیچ سودی ندارد مگر افزوده شدن بحران های موجود و ورود به چالش های جدید که زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می دهد.

بنابراین حفظ ثبات و آرامش در منطقه باید راهبرد اصلی دو کشور در تعاملات سیاسی فی مابین باشد، تا از این مسیر شاهد تحولات و پیشرفت های قابل توجهی در عرصه های مختلف از جمله عرصه اقتصادی در میان دو کشور باشیم.

به دلیل همین ابهامات موجود در خصوص چگونگی آغاز درگیری میان دو طرف، مقامات دو کشور توافق کردند تا کمیته های حقیقت یاب به نمایندگی از دو طرف درگیر، در صحنه حضور پیدا نموده و جزئیات درگیری و علل وقوع آن را بررسی کنند.

بنابراین تا اتمام کار کمیته های فنی حقیقت یاب که از سوی طرفین مامور بررسی چگونگی آغاز درگیری و علل آن هستند، نمی توان به طور قاطع یکی از طرفین را مشخص، به عنوان آغازگر جنگ معرفی نمود، اما می توان اصل وقوع درگیری را از زوایای دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

اما آنچه که پر واضح است، بی سابقه بودن حجم تبادل آتش میان نیروهای مرزبانی دو کشور در طول چند سال اخیر است، زیرا پیش از این نیز درگیری های پراکنده و تبادل آتش میان طرفین وجود داشت، اما هر بار در سریع ترین زمان ممکن موضوع حل و فصل گشته و همچنین هرگز از سلاح های نیمه سنگین و یا سنگین استفاده نشده بود.

اما بر طبق گزارشات واصله از محل درگیری ها و اخباری که در خبرگزاری های معتبر دو کشور در حال انتشار است، این مساله برمی آید که طرفین از سلاح های سنگین و نیمه سنگین استفاده نموده اند و خسارات قابل توجهی به یکدیگر وارد آورده اند.

اما آنچه که قابل توجه است و طرفین باید نسبت به آن توجه جدی داشته باشند این است که، تنش میان دو کشور در این سطح به نفع چه کسی است و ذینفع حقیقی در این میان کیست؟ از سوی دیگر کدام طرف درگیری آسیب پذیری بیشتری نسبت به طرف مقابل دارد؟

سوال دیگری که قابل طرح است این است که آیا طالبان در شرایط موجود تاب درگیری با کشور همسایه را دارند، در حالی که دچار بحران اقتصادی بوده و به لحاظ سیاسی هیچ جایگاه مشخصی در سطح بین المللی نداشته و به شدت نیازمند به رسمیت شناخته شدن از سوی مجامع بین المللی و کشورهای همسایه است؟

در خصوص ذی نفعان اصلی تنش و درگیری در منطقه غرب آسیا و خصوصا کشورهای اسلامی که به طور مستقیم با قدرت های غربی درگیر بوده اند باید گفت، در این میان، غرب و غرب گرایان بیشترین بهره را از افزایش تنش میان کشورهای اسلامی می برند زیرا

شنبه ۶ جوزا، مرز افغانستان و ایران در ولسوالی کنگ نیمروز و زابل شاهد درگیری های پراکنده میان نیروهای مرزبانی دو کشور بودند و بر اثر این درگیری ها تعدادی از نیروهای دو طرف جان خود را از دست دادند.

این درگیری ها در حالی است که در هفته های گذشته مساله حقایبه ایران از رود هیرمند به عنوان یک چالش جدی میان طرفین مطرح گردیده و تنش ها در این خصوص، پای مقامات عالی طرفین را به دعوا کشانده بود.

به باور کارشناسان و با توجه به اظهارات مقامات طرفین، درگیری های اخیر هیچگونه ارتباطی به اختلافات طرفین در خصوص مساله حقایبه ندارد، زیرا موضوع حقایبه مساله ای است که ریشه های آن به دوران دولت های پیش از طالبان بازمی گردد و اساسا مشکل آن با درگیری نظامی قابل حل نیست، بلکه یک مساله حقوقی است که از مجاری رسمی، قابل پیگیری می باشد.

اما با این وجود شاید بتوان گفت افزایش تنش ها میان دو کشور بر سر مساله آب هیرمند، جو سیاسی میان طرفین را متشنج نموده و در تحریک پذیری نیروهای دو طرف نقش داشته است، اما این مساله هرگز به عنوان دلیل جنگ، قابل طرح نیست.

در این میان اظهارات مقامات طرفین در خصوص چگونگی شروع درگیری در نقاط مرزی مشترک نیز قابل توجه است زیرا هر دو طرف درگیری به نحوی سعی دارند تا طرف مقابل را آغاز کننده جنگ معرفی نمایند.

در همین خصوص، عبدالنافع تکور؛ سخنگوی وزارت داخله طالبان در توییتش نوشته: «امروز در مربوطات ولایت نیمروز نیروهای سرحدی ایرانی به طرف افغانستان شلیک کردند که با واکنش متقابل مواجه شدند. در جریان نبرد از هردو طرف یک فرد کشته و تعدادی زخمی شدند. موضوع به بزرگان هردو طرف رسیده و اکنون وضعیت تحت کنترل می باشد.»

اما در آن سو مقام های ایرانی، طالبان را آغازکننده درگیری معرفی نموده و خبرگزاری های رسمی در آن کشور، شلیک نیروهای طالبان به سمت مرزبانان ایرانی را به عنوان سبب درگیری بازتاب می دهند.

شما میتوانید اخبار، تصاویر، گزارشات خود را از هر ولایات، شهر و یا ولسوالی که در آن زندگی می کنید را برای ما ارسال نمایید تا پس از بررسی و تایید در سایت و شبکه های اجتماعی خبرگزاری معمار منتشر شود.

Whatsapp/ +93 78 450 0593

اخبار و گزارش های ارسالی را در اینستاگرام، تلگرام، توئیتر و فیسبوک ما دنبال کنید.

@MEMAR TV - @MEMARPRESS